

منبع: نشریه هالندی پلاتفورم ضد جنگ،

برگردان: دکتور شایسته،

این جنگ بیهوده و دوامدار را توقف دهید!

طبق اظهارات اسوستیدپرس، ناتو و ایالات متحده آمریکا در جریان سال ۲۰۰۷م. به جای گروههای مسلح طالبان تعداد بیشتر اتباع افغان را به قتل رساندند. بعضی منابع میگویند، که در میان بیشتر از ۶۰۰ نفر کشته شده گان زیادهترین آن ها را اطفال تشکیل میداد.

از برکت وعده های کشور هالند تحت نام «یک رسیده گی صلح آمیز» قوتهای نظامی آن کشور در اقدامهای وحشیانه علیه مردم افغانستان دخیل گردید. هم زمان بیم آن میرود که تعداد بیشتر نظامیان هالندی نیز کشته خواهند شد.

جنگ و زورگویی، افغانهای غضب آلود را تحریک میکند،

در بهار امسال جنگهای شدیدی که با عملیاتهای بزرگ هوایی همراه بود، میان عساکر هالندی و طالبان در محله چوره ولایت ارزگان به وقوع پیوست؛ در نتیجه دهها تبعه افغان کشته و یا زخمی شدند. یک چنین زورگویی (وحشیگری)، قهر و مقاومت افغانها را در برابر خارجیها تقویت بخشید. این کار در مورد سایر قطعات نظامی خارجی که به عین اقدامها دست زدند نیز صدق میکند. کپتان لیودورتی، یک افسر نظامی انگلستان سال گذشته به رسم اعتراض علیه تحریکات خطرناک هوشدار داده گفت: «ما باید به گونه دیگری با افغانها رفتار کنیم، نی به گونه یی که امریکاییها قریه ها را بمباردمان کرده و از هوا بسکیت پرتاب میکنند!»

گروپهای کمکرسان بین المللی جنگ و زورگویی را محکوم میکنند،

هم چنان اعتراضهایی از جانب سازمانهای انکشافی بین المللی افزایش مییابد. یک کمک رسان بین المللی به نام ویلیم فان دی پوت میگوید: «ما فکر میکنیم که قوتها نظامی هالند کماکان به کارهای درست و دقیق مصروف اند، در حالی که آن ها خود در بی امنیتی به طور فعال سهم میگیرند. اعزام قطعات به افغانستان یک مصارف بیهوده انسانها، مواد و پول است و بس!»

عملیات وحشیانه،

عملیات نظامی در آرزگان افغانستان بسیار وحشیانه است. هان فان یالن عضو سازمان لیبرالهای هالند (VVD) تأکید کرد: «حضور هالند در افغانستان به خاطر آن است که ما بتوانیم پلها و سرکها را تأسیس و اعمار کنیم؛ اما، من به دموکراسی افغانستان در کوتاه مدت چندان باور ندارم.»

افغانها توپ بلیارد در بازی جیوپولیتیک،

افغانها مداخلات نظامی و زورگویی خارجی در کشورشان را بیشتر از پیش مورد انتقاد قرار میدهند. افغانستان تاریخ طولانی مداخله نظامی خارجی و حمایت نظامی کشورهای خارجی از گروههای مختلف داخلی را به خاطر دارد. چنانکه ایالات متحده آمریکا بسیار قبل از حملات نظامی سپتامبر سال ۲۰۰۱م. به خاطر کشیدن پایپ لاین تیل با گروههای طالبان مصروف معامله گری بود. این پایپ لاین امکان دسترسی آمریکا را به ذخایر بزرگ انرژی آسیای میانه مساعد میساخت. افغانها به سهمگیری هالند در آرزگان به مثابه جز این بازی جیوپولیتیک مینگرند.

کشمکشهای زورگویانه هیچ چیز را حل نمیکند،

قوماندانان نظامی اظهار میدارند، که با قطعات موجود «چهل هزار» نفری ناتو، جنگ علیه تروریسم نمیتواند پیروز گردد. اکنون ایالات متحده آمریکا فشار وارد میکند که ناتو باید برای مدت طولانی در افغانستان باقی بماند؛ اما، زورگویی اضافه تر از این چیزی را حل نمیکند. جنگهای عراق نیز آن

را ثابت ساخته است. بحران در افغانستان شدت کسب میکند، در حالی که مصارف روزانه کشور هالند در افغانستان به «هشتصد هزار یورو» میرسد.

با وجود این از وضع چنین به نظر میرسد که رهبری کشور هالند میخواهد زمان حضور نظامی خود را در افغانستان تمدید کند.

هر قدر نظامیهای ما طولانیتر در افغانستان باقی بمانند، به همان اندازه زورگویی و وحشت زیاد میگردد و از شهرت و اعتبار قاصدان ما کاسته میشود.

بنابراین زورگویی (وحشیگری) را توقف دهید؛ اعمار مجدد افغانستان را آغاز کنید؛ زمان آن فرا رسیده است تا جامعه بین المللی افغانستان را واقعاً کمک کند.

نظامیها تحت فشار اند،

افزایش زورگویی (وحشیگری) در آرزگان باعث اعزام بیشتر سربازان هالندی در آن جا نسبت به آنچه که در ابتدا وعده داده شده بود گردید. نظامیهای ما در نوکریوالیهای طولانی و ثقیل کار میکنند. یک نوکریوال نظامی میگوید: «با این شدت کار، ما خراب میشویم.»

وفاداری و صداقت سربازان نسبت به یک دیگر برای رهبری هالند معلوم است. اعتماد و جسارت از جمله فضیلت‌های شناخته شده نظامی اند. نظامیان هالند برای پیشروی راضی ساخته میشوند و بعداً آن‌ها خود احساس مسؤولیت میکنند. اما بسیاری از نظامیهای ما در مورد هدف قطعات نظامی در افغانستان شک دارند.

اتحادیه پرسونل نظامی هالند (AFMP) مخاف تمدید حضور قطعات در افغانستان اند. فان دن بورک، رییس این اتحادیه قبلاً به خاطر نتایج احتمالی جنگهای خونین هوشدار داده گفت: «یگانه چیزی که ما شاید در افغانستان بسازیم عبارت از یک لست طویل مُرده‌ها و زخمیهای نظامیان هالندی و اتباع افغانستان خواهد بود.»

هم چنان موصوف چنین نتیجه گیری کرد: «کشور هالند باید قطعات خود را به عقب بکشد و سایر کشورهای ناتو نیز در نوبت قرار دارند.»

علاوتاً مردم هالند در این جا از خود سوال میکنند، که آیا قطعات نظامی آن ها برای مردم افغانستان کمک میکنند؟ آن ها راجع به سرنوشت دوستان و عزیزان شان که در جبهه جنگ قرار دارند، نگران اند و راجع به چگونه گی استفاده از قطعات نظامی در برابر سیاستمداران هالند قهر و غضب مردم افزایش یافته است.

حضور قطعات نظامی هالند در اُرزگان تمديد نيابد!

کمیته برگشت قطعات نظامی هالند میخواهد که به کار قطعات در اُرزگان خاتمه داده شود. این کمیته متشکل است از: حزب سوسیالیست هالند، حزب سبزه‌های چپ هالند، ائتلاف سازمانهای صلح به نامهای "جنگ را توقف دهید" و "خط مشی مشترک ضد جنگ جدید".

طبق اظهارات آقای فان بومل سخنگوی حزب سوسیالیست هالند و آقای پیترز نماینده حزب سبزه‌های چپ هالند، سهمگیری نظامی هالند در ولایت جنوبی افغانستان یعنی اُرزگان باید تمديد نیابد.

آن ها گفتند، که: «ما از همه دعوت به عمل می آوریم تا این را بدانند که به کار قطعات ما در اُرزگان باید توقف داده شود.»

قشر اجتماعی حمایت کننده جنگ در هالند کاهش یافته است،

یک نظرخواهی عمومی در هالند نشان میدهد که اکثریت مردم میخواهند تا نظامیان هالند از افغانستان خارج گردند. از ارزیابی نشریه تلگراف " ماه جون سال جاری" معلوم میشود که دوثلث مردم هالند فکر میکنند که اوضاع در اُرزگان پیوسته وخیمتر میگردد. در سایر احزاب سیاسی هالند نیز از توقف کار قطعات نظامی هالند در افغانستان حمایت صورت میگیرد. از مباحثات اعضای حزب کار هالند (PVDA) در ایالت شمال خرونینگن (Groningen) برمی آید که اکثریت اعضای آن حزب مخالف این کار اند و همبسته گی شان را به کمیته برگشت قطعات از افغانستان اعلام کرده اند. این امر سبب شد تا در آن حزب یک انفجار صورت گیرد. حکومت هالند تحت فشار ناتو و امریکا قرار دارد و در زمینه با شک و تردید برخورد میکند. تصمیمی که به خاطر توقف تمديد قطعات در اُرزگان بعد از اگست سال ۲۰۰۸م. در آخر تابستان امسال باید اتخاذ میگردد به تعویق افتاد.

ثبات، امنیت و بازسازی وجود ندارد،

قطعات نظامی هالند از اگست سال ۲۰۰۶م. بدین طرف بخشی از پلان ناتو برای افغانستان را تشکیل میدهد. اعزام قطعات هالند از همان آغاز مورد بحث و مناقشه بود، زیرا که جنگ در افغانستان هنوز ادامه داشت و امکان دوباره سازی آن کشور واقعاً بسیار کم بود.

طبق گفته آقای ماریکو پیترز نماینده حزب سبزه‌های چپ هالند (سابق مشاور وزارت خارجه افغانستان): «هالند در یک جنگ دوامدار در افغانستان درگیر شد و فرصت دوباره سازی گران قیمت آن کشور را پیدا نکرد. این شیوه مداخله نیز منجر به تأمین ثبات و دوباره سازی افغانستان نمیشود. پلانهای نظامی به بسیار سرعت اجرا میشوند اما راه‌های سیاسی و کار دوباره سازی عقب میمانند.»

پارلمان هالند در آغاز سال ۲۰۰۶م. شرایط مختلف را برای قطعات آن کشور در آرزگان مطرح کرد:

- دوام قطعات از دوسال زیادتر نمیباشد.
- یک تفاوت کامل میان عملیات آزادسازی امریکایی و فعالیت قطعات هالندی ناتو وجود دارد.
- این جا حقوق انسانی اسیران جنگی در نظر گرفته میشود، به آن‌ها شکنجه و آزار داده نمیشود و در زندانهای مخفی اسیر نمیگردند.
- قطعات ما باید به بازسازی توجه نمایند.

طوری که دیده میشود این شرایط عملاً روی دست گرفته نشد و یا تحت فشار قرار دارد. حکومت هالند میخواهد که قطعات کماکان به کارشان ادامه دهند. این جا هیچ گونه تفاوت میان فعالیت قطعات هالندی و نیروهای ویژه امریکایی وجود ندارد. کانگرس ایالات متحده امریکا نیز در زمینه توافق نظر دارد. گاهی امریکاییها یک جا با قطعات نظامی هالند به خاطر شکار واحدهای دشمن در آرزگان به عملیات مشترک میپردازند.

پیامرسانان (قاصدان) نظامی بسیار ظالم و زورگو اند،

قطعات نظامی ناتو، جایی که نظامیان هالند با آن ها نیز همکاری دارند، بسیار ظالم و زورگو هستند. آن ها زیادتر طیاره های "اف ۱۶"، هلیکوپترهای آپاژ و توپهای بزرگ و سنگینی را در جنگ استعمال میکنند. طبق اظهارات آقای بارت گریفون سخنگوی ائتلاف "جنگ را توقف دهید": «افزایش تعداد قربانیان جنگ که در جریان بمباردهای ناتو صورت میگیرد به مردم افغانستان یک تصور کامل دیگری نسبت به بازسازی افغانستان بخشیده است. مؤسسه های انکشافی هوشدار میدهند که کمکسانی تحت رهبری کارکنان نظامی نتایج معکوس به بار می آورد. قطعات نظامی، پیام آوران جنگ هستند، نی پیام آوران صلح و بازسازی. آن ها امکانهای آوردن صلح و دوباره سازی را ندارند. طولانی ماندن قطعات شاید خود به خود سبب شعله ور ساختن جنگها و افزایش تعداد کشته شده گان و عمیقترشدن غم و اندوه افغانها گردد. هم چنان آزار و اذیت کردن آدمهای مشکوک و احتمالاً اشخاص بیگناه، قهر و غضب افغانها را بیشتر میسازد.»

در ماه جون سال روان قطعات نظامی هالند قومانده گرفتند، تا رهبران دشمن را از مردم تجرید و دستگیر نمایند. گرچه این کار واقعاً به دستگیری فعالان خطرناک و آدمکش رابطه میگیرد، که از دوباره سازی و کسب اعتماد مردم کاملاً تفاوت دارد. اما تحقق این امر (تجرید و دستگیری فعالان و رهبری مخالف) با چنین شیوه ها ناممکن است.

پولها را برای کمک مصرف کنید، نی به خاطر جنگ!

پیامرسانان نظامی (قطعات) در چنان موقعیتی قرار ندارند که بتوانند افغانها را کمک نمایند. این هیچ امکان ندارد که تو کشوری را کمک کنی، در حالی که تو میخواهی با بخشی از مردم آن جنگ خونینی را پیش ببری.

قطعات نظامی ما بیشتر از همه مصروف یک نوع کمک به سیاست خارجی در حال شکست ایالات متحده آمریکا است، تا کمک به مردم افغانستان. قطعات ما نیز به یک جز روند داخلی نزاع بر سر قدرت مبدل شده است.

{بلی، قطعات باید از افغانستان بیرون گردد، هالند میخواهد از این معضله پای خود را بیرون بکشد.}

هاری فان بومل، نماینده حزب سوسیالیست در پارلمان هالند میگوید: «کمیته برگشت قطعات به این نظر است که هالند باید به خاطر مردم افغانستان سعی و تلاش کند، اما نی به این شیوه. بگذار همه افغانها در مورد آینده کشورشان خود تصمیم بگیرند. تو علیه یک بخش از اهالی جنگ نکن! یک گردهمایی وسیع افغانی از میان تمام حلقات و سازمانهای سیاسی افغانستان به شمول طالبان باید به وجود آید.

این شکل کمکرسانی ما بسیار قیمت (گران) است. زیرا که بیشتر از همه مصارف ما نظامیست. پولها باید در عرصه انکشاف و همکاری به مصرف رسد، نی در پیشبرد جنگ! بگذار کارکنان انکشافی کمکها را برسانند، نی نظامیان!»

وضعیت سیاسی افغانستان بدتر شده است:

اخیراً پارلمان افغانستان قانون عفو عمومی را تصویب کرد که بر اساس آن تمام قوماندانان و رهبران سابق که در دستان شان در خون مردم آغشته است بدون مجازات باقی میمانند. این ضربه بزرگ بر رُخ قربانیان آن ها و لکه دار ساختن حقوق بشر است. حکومت آقای کرزی انکشاف و عدالت را عرضه نمیکند و بدین وسیله قهر و غضب مردم تحریک میگردد.

قوماندانان از اختیارات کامل برخوردار اند،

حکومت موجود و رهبری آقای کرزی بیشتر از میان قوماندانان و زورگویان سابق ساخته شده است. در زمان حاکمیت مطلق آن ها فساد، بینظمی و فقر در کشور به اوج خود رسیده بود. طبق گزارش هیومن رایت واچ، اکثریت مردم افغانستان همان قوماندانان و زورگویان سابق را منشای فساد و بی امنیتی میدانند. سازمان ملل متحد و ایالات متحده امریکا در زمینه مسؤولیت دارد. آن ها با صف آراییهای مجدد خود آقای کرزی را تهدید میکنند که: «اول، امنیت و ثبات ضرورت است؛ بعداً، عدالت!» با این چنین دلیل تراشیها، خود افغانها نیز مخالفت دارند.

فرح کریمی، سابق عضو پارلمان هالند و نماینده حزب سبزه‌های چپ، که فعلاً به حیث کارشناس ملل متحد در پارلمان افغانستان مشورت میدهد، میگوید: «پارلمان افغانستان توسط قوماندانان زورگو اشغال شده است.» «لاردهای جنگی از وسایل دموکراسی به خاطر منافع شخصی شان

سؤاستفاده میکنند. . . اوضاع در افغانستان در حال پیچیده شدن است و این وضع توسط خارجیها حمایت میشود.»

ظلم و زورگویی علیه زنان افزایش میابد،

آزاد ساختن زن در افغانستان هنوز بسیار دور است. طبق گزارش یک سازمان (*Woman kind*) در سالهای اخیر ظلم و زورگویی بالای زنان در تمام جهان ازدیاد یافته است. انتقامجویی، سنگسارکردن و تجاوز به عفت و عزتِ زنان و به زور نکاح کردن آن ها به یک کار معمولی مبدل گردیده است.

خانم ملالی جويا عضو پارلمان افغانستان به علت انتقادهای شدید بالای قوماندانان و زورگویان از پارلمان آن کشور کشیده شد. این زن مبارز پیشتاز و مدافع حقوق زن در افغانستان به خار چشم حکومت آقای کرزی مبدل گردیده است. ملالی جويا که به جرم اعتراض در اجلاس پارلمان مورد حمله و تهدید قرار گرفت میگوید: «اگر من در پارلمان چیزی میگویم، اعضای پارلمان از چهارطرف مرا تهدید میکنند. آن ها به آواز بلند میگویند، که ببرید این زن را و بالایش تجاوز کنید . . . این مردهایی که امروز در اریکه قدرت تکیه زده اند اکثراً مجرمان و جنایتکاران اند که هیچ گاه از اعمال گذشته خود در برابر مردم معذرت نمیخواهند. اکنون آن ها با حمایت امریکا به همان جنایتکاریهای خویش به شکل دیگری ادامه میدهند. بنابراین در وضعیت زن در این جا هیچ نوع تغییر بنیادی به میان نیامده است.»

حمایت از دموکراسی افغانی،

کشور هالند، رهبری موجود افغان را ولو که چندان شهرت خوب ندارد حمایت میکند ولی آزادی افغانستان نمیتواند به وسیله قوتهای نظامی امریکا و هالند به طور دوامدار حاصل گردد. در این جا یک همبسته گی بین المللی با مؤسسه های دفاع از حقوق بشر و فعالان جنبش دموکراتیک افغانی مانند ملالی جويا ضرورت است. از این طریق ما میتوانیم مبارزه برای دموکراسی و خودکفایی در افغانستان را به طور مؤثر تقویت کنیم. این به خود افغانها مربوط است که در مورد آینده شان تصمیم بگیرند.

با تخریب مزرعه کوکنار، غریبترینها متأثر میشوند،

افغانستان فقیرترین کشور دنیاست؛ طبق احصاییه بانک جهانی از جمله سی و یک میلیون افغان، نصف آن تحت فقر به سر میبرد. از جانب دیگر افغانستان بزرگترین کشور تولیدکننده تریاک در جهان است با تخریب مزارع کشت تریاک، دهقانان افغانستان یگانه منبع درآمدشان را از دست دادند و بدین وسیله حمایت از طالبان رشد کرد و در عین زمان تجارت موادمخدر (تریاک) در کشور به طور انفجاری افزایش یافت.

فاجعه های بشری،

انستیتوت بین المللی امستردام هوشدار میدهد که اوضاع در افغانستان با تخریب مزارع کشت تریاک به طور ناراحت کننده یی بدتر شده میروود. مارتین یلسما یک محقق هالندی میگوید که با این کار یک فاجعه بشری در حال به وقوع پیوستن است؛ علاوه بر این... تعداد زیاد انسانهای فقیر جامعه که بیشتر از زنده گی ناامید شدند به جانب گروههای مسلح که برضد دولت و نیروهای خارجی میجنگند روی آوردند. تیمهای تبلیغاتی طالبان نیز در میان مردم رفته با استفاده از وضعیت خراب مردم میخواهند برای شان سربازگیری کنند.

رشوت و فساد اداری ناشی از تریاک، رشد میکند،

رسیده گی جدی به امور مزارع کشت تریاک در همه جا در اختیار مفسدان و رشوت خواران قرار گرفته است. امر این که مزارع تریاک کی (کدام شخص) تخریب شود و یا نشود به وسیله قوماندانان محلی تعیین میگردد. علاوه بر این تعداد بیشتر کارکنان بلندپایه دولت به کار قاچاق تریاک مصروف اند؛ مثلاً، جنرال محمد داود سابق قوماندان جهادی فعلاً وزیر مبارزه با تریاک (موادمخدر) است. مارتین یلسما محقق هالند به این عقیده است که نقش اعضای حکومت کرزی در تجارت و قاچاق تریاک (موادمخدر) بسیار اثرات منفی بالای مردم به جا گذاشته است.

الترناتیفها (بدیلها) هنوز وجود ندارند،

وزیر انکشاف و همکاری هالند آقای کوتلاس مدعی ایجاد یک "اقتصاد بدیل" بر مبنای کشت بادام، میوه ها و زعفران به جای کشت تریاک برای زارعان افغان است. اما، خود افغانها میگویند که کشت این چیزها واقعاً نمیتوانند دورنمای بیرونرفت از فقر عمیق را برای شان عرضه کند. هم چنان وعده های زیاد در مورد الترناتیفها (بدیلها) بارها صورت گرفته، اما، جنبه عملی پیدا نکرده است. در حالی که تخریب مزارع کشت تریاک توسط قطعات هالندی به کمک فشار قطعات نظامی امریکا ادامه مییابد.

قونسل فرانسه بی پیشنهاد خوبی در زمینه دارد: «محصولات تریاک را برای منابع فارمسی خریداری کنید.»

دوباره سازی بدون سلاح،

جنگ کردن یا کمک کردن؟؟ طوری که دیده میشود این تضاد با یک فورمول افسونگرانه بی مانند: «قبل از آنکه کمک کنیم، باید اول بجنگیم!»، حل گردیده است. تأمین امنیت مقدمتر از دوباره سازیست. این واقعاً منطقیتر به نظر میرسد؛ اما، در عمل زورگویی نظامی، دوباره سازی را منفور میسازد.

برای انکشاف پول کمتر داده میشود،

بی امنیتی رو به افزایش در افغانستان تا اندازه زیاد به فقر و عقبمانده گی مردم آن کشور رابطه دارد. بعد از حمله های مستقیم نظامی امریکا در سپتامبر ۲۰۰۱م.، یک خوشبینی توأم با شک در میان مردم افغانستان به وجود آمد. انسانها امیدوار شدند که بالاخر دوباره سازی این کشور جنگزده و ویران شده میتواند آغاز گردد. ناامیدی و یأس مردم زمانی بزرگ و عظیم گردید که امریکاییها به دوباره سازی افغانستان هیچ ارجحیت نمیدهند.

ارقام خود بیان میکند که در بخشهای نظامی تخصیص مالی ده برابر بیشتر از بخشهای دوباره سازیست. دیده میشود که افغانستان هنوز هم به سوی فقر و عقبمانده گی کشانیده میشود.

یک داکتر افغان به نام خالد مینه پال میگوید: «این جا هیچ چیزی قابل توجه ساخته نشده است، چی در کابل و یا چی در ارزگان؛ مکاتب تخریب گردیده و شفاخانه ها در ویرانه ها قرار دارند.

در حالی که هالند در سال اول «۴۱۰ میلیون» یورو مصرف کرده است، تمام این پول برای معاش نظامیان و وسایل نظامی پرداخته شده است. افغانها نیز میدانند که مصارف قطعات ملیونها یورو را احتوا میکند و این مبالغ هنگفت مالی متأسفانه در دوباره سازی افغانستان به مصرف نمیرسد.

کمک‌رسانان انتقاد میکنند،

مردم افغانستان و مؤسسه های کمک‌رسان بین المللی اقدامها و عملیاتهای نظامی را شدیداً انتقاد میکنند. سازمان صلیب سرخ چنین مینویسد: «کمکهای ما که در بهشد وضعیت زنده گی مردم اثری ندارد و یا این که بسیار ناچیز بوده است، اما بگذار امنیت افغانهای عادی حداقل خراب نگردد.

ویلیم فان درپوت رییس سازمان کمک‌رسانی (*Health net- TPO*) میگوید: «تا وقتی که قطعات نظامی ما در ارزگان نیامده بود، کار کمک‌رسانان در محلات بسیار خوب پیش میرفت.»

طبق گفتهٔ موصوف نظامیان هالندی پروژه های بازسازی را در افغانستان بسیار کمتر عملی میکنند. «توزیع نمودن تحفه گکها را نمیتوان بازسازی نام گذاشت (!)، چنین پروژه ها صلح و امنیت را کمایی کرده نمیتوانند. به نظر من ما در ارزگان واضحاً یک موقعیت بسیار خراب اتخاذ کرده ایم که به علت آن ما نمیدانیم چه کنیم، یعنی به جای دوباره ساختن در ویران کردن فعال هستیم.»

نظامیان کارکنان انکشافی نیستند،

طبق گفتهٔ فریک پرنس، کارشناس سازمان پناهنده گی (*ZOA*): «زن و مرد معمولی در کوچه های افغانستان مشاهده میکنند که سیاستمداران هالند فرق میان کارکنان نظامی و کارکنان انکشافی را اشتباه کرده اند. نظامیان نی تنها با داشتن لباس ویژهٔ نظامی و سلاح دست داشته از کارکنان

انکشافی تفکیک میشوند، بل که آن‌ها از نظر شیوه عملکرد و رفتار با مردم، گپزدن و گوش‌فرا دادن به حرفهای جانب مقابل نیز بسیار متفاوت اند.»

تعداد زیاد مؤسسه‌های انکشافی و کمکرسان غربی در افغانستان فعال اند، اکثریت آن‌ها مسؤلیتهای امنیتی و نظامی را ندارند و آن‌ها نیز نمیخواهند با نظامیها همکاری نمایند. آن‌ها امنیت خود را به وسیله ایجاد روابط قابل اعتماد با مردم و مسؤولان محلی تأمین میکنند. در زمان جنگهای داخلی نیز تعداد زیادی از مؤسسه‌ها چنین کاری انجام میدادند. طی دهه گذشته مؤسسه هالندی (*Health net- TPO*) یک شبکه صحت عامه را از میان مراکز محلی در همکاری با مسؤولان محلها ایجاد کرد. از طریق چنین مراکز و پروگرامهای مربوطه تعلیمی و توضیحی مؤسسه مذکور برای زنان و دختران افغان کارهای زیادی را در مقایسه با امروز انجام داد.

کار با همکاران محلی،

مؤسسه‌های انکشافی غرب در افغانستان کارکردن با همکاران محلی را ترجیح میدهند. اکنون که هویت کارکنان انکشافی و کمکرسان غربی با کار نظامیها پیوند حاصل نموده است، کارکردن برای آن‌ها در محله‌های کشور بسیار خطرناک شده است. بنابر همین دلیل بود که دکتوران بدون مرز، افغانستان را چندسال پیش ترک گفتند.

فریک پرنس میگوید: «تو خود به خود خیرخواه و نیکوکار معلوم نمیشوی.»

در یک کمپ مهاجران، به همه‌گان اعلان گردیده بود که آوردن سلاح در داخل کمپ ممنوعست؛ یک جزوتام سیار (گزمه نظامی) غربی فکر کرد که این ممانعت در مورد آن‌ها قابل اجرا نیست، بناً با تجهیزات کامل نظامی خود داخل کمپ گردیده و محل را تفتیش کردند. بسیار زود بعد از این حادثه آتش به جان مردم داخل کمپ در گرفت و کمپ بسته شد.

یک کار واقعی برای افغانها انجام دهید!

هرگاه ما میخواهیم به راستی افغانها را کمک کنیم، بهتر است بدون اسلحه این کار را انجام دهیم. مثلاً مؤسسه‌های کمکرسانی ما کارهای زیادی را میتوانند انجام دهند و این امر مربوط به

ابتکارهای شخص نیز میشود. چنین مواظبت را یاتی بیکمان یک اکتویست (فعال) ایالت شمال هالند (*Groningen*) در شهر کابل از طریق ایجاد مؤسسه زنان به نام ناهید انجام میدهد. در این مؤسسه زنانی نگهداری میشوند که نمیتوانند بیشتر از آن با فامیل‌های شان یک جا به زنده گی ادامه دهند. بدان معنی که مؤسسه مذکور این یک کار متری را در افغانستان سنتی بدون کمک مشخص نظامی انجام میدهد.

کمیته برگشت قطعات از افغانستان میخواهد با اطمینان کامل به مردم افغانستان در زدودن فقر، تأمین امنیت و دوباره سازی کمک نماید. بنابر همین علت قطعات نظامی ما باید از افغانستان خارج گردد.

دکتور افغان خالد مینه پال، که در جمله دکتوران بدون مرز فعال است، الترناتیف زیر را پیشنهاد میکند: «جنگها را توقف دهید، مردم و مسؤولان محلی را جمع کرده و به آن‌ها بگویید، که ما میخواهیم برای رفع احتیاجهای تان "۴۱۰ میلیون" دالر کمک کنیم، شما به چه چیزها ضرورت دارید، به آب آشامیدنی؟ شفاخانه؟ خانه برای بود و باش؟ و ...

بگذار آن‌ها خودشان با نیروی کار خود حاضر به ساختمان کشورشان گردند. اگر شما میخواهید واقعاً کاری برای افغانها انجام دهید، قلبها و مغزهای مردم را به دست آورید!»

www.ayenda.org